

بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترجیح حروف الفبای نام (آی‌پی‌تی) برای سنجش عزت نفس نا آشکار^۱

بهرام ملکی^۲

احمد علی پور^۳

حسین زارع^۴

فرهاد شقاقی^۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۱۰

چکیده

زمینه: مطالعه عزت نفس یکی از فراوان‌ترین روش‌های مطالعه تفاوت‌های فردی در روان‌شناسی است. در سال‌های اخیر در نتیجه گسترش «مدل فرایند دو گانه» که هم بر اهمیت فرایندهای خودکار و هم بر فرایندهای تأملی تأکید می‌کند، مطالعات روان‌شناسی شناختی توجه خود را معطوف معرفی دو نوع عزت نفس آشکار و عزت نفس نا آشکار نموده است. **هدف:** هدف از اجرای تحقیق حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی (پایایی و روایی) مقیاس ترجیح حروف الفبای نام برای سنجش عزت نفس نا آشکار و انطباق آن با حروف الفبای زبان فارسی بود. **روش:** تحقیق حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی بود که بر روی نمونه‌ای ۴۲۰ نفری (۲۳۹ مرد و ۱۸۱ زن) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام شد. در مرحله اول پایایی مقیاس آی‌پی‌تی به روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ و باز آزمایی به فاصله ۱۴ روز بر روی ۲۸۰ آزمودنی به دست آمد و در مرحله دوم به منظور بررسی روایی مقیاس آی‌پی‌تی، همزمان با اجرای آن، مقیاس‌های عزت نفس روزنبرگ، مقیاس عاطفه مثبت عاطفه منفی و مقیاس سلامت عمومی بر روی ۱۴۰ آزمودنی اجرا شد. **یافته‌ها:** میزان همبستگی بین نمرات مقیاس آی‌پی‌تی به روش باز آزمایی ۰/۸۴ و ضرایب همسانی درونی آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن به ترتیب، ۰/۸۷ و ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین همبستگی معنادار آی‌پی‌تی با مقیاس‌های سلامت عمومی (۰/۵۶)، عواطف مثبت (۰/۴۴)، عزت نفس روزنبرگ (۰/۳۰) و عواطف منفی (۰/۳۶-) نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرای بالای مقیاس بود.

۱. این مقاله از پایان‌نامه دکتری استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول مقاله) - عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان -

پردیس شهید مدرس کردستان (maleki@phd.pnu.ac.ir).

۳. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران (alipor@pnu.ac.ir).

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران (h_zare@pnu.ac.ir).

۵. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران (farhad.shaghghi@gmail.com).

نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که روایی و پایایی مقیاس آی‌پی‌تی از شایستگی و کفایت لازم برای سنجش عزت نفس نا آشکار در جامعه ایرانی کردستان برخوردار است. با توجه به مناسب بودن شاخص‌های روان‌سنجی این مقیاس می‌توان گفت که این ابزار یک مقیاس مفید و مناسب برای ارزیابی عزت نفس نا آشکار در جوامع غیر بالینی است. همچنین تشابه نتایج گزارش شده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های حاصل از زبان‌های خارجی حاکی از مناسب بودن برگردان زبان این مقیاس به فارسی است.

واژه‌های کلیدی: مقیاس حروف الفبای نام (آی‌پی‌تی)، عزت نفس آشکار، عزت نفس نا آشکار، پایایی، روایی.

مقدمه

مفهوم عزت نفس^۱ برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم توسط ویلیام جیمز وارد روان‌شناسی شده است (کاراکان^۲، ۲۰۰۹). عزت نفس در طول دوران تحول خود در حوزه‌های متعددی در روان‌شناسی مطرح شده است؛ از جمله در حوزه شخصیتی (مثل کمرویی)، رفتاری (مثل عملکرد در تکلیف)، شناختی (مثل سوگیری در اسناد) و بالینی (مثل اضطراب و افسردگی) (مارتینز^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). در سالیان اخیر، مطالعات عزت نفس به عنوان یک ویژگی مفید روان‌شناختی تحقیقات زیادی را به خود جلب کرده است (شوردفگر و شیل^۴، ۲۰۱۲). عزت نفس به احساس کلی شخص در مورد ارزش، اعتبار و شایستگی خویش مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر به ادراکی اطلاق می‌گردد که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد. این ادراک از تجاربی ناشی می‌شود که شخص در طی دوران زندگی خود کسب کرده است که هم می‌تواند به عنوان یک صفت پایدار و هم به عنوان یک متغیر حالتی در نظر گرفته شود (کراکر و نایت^۵، ۲۰۰۵). منظور از عزت نفس به عنوان یک متغیر حالتی این

۱. Self-Esteem

۲. Karacan

۳. Martens

۴. Schwardtfeger & Scheel

۵. Crocker and Knight

است که سطح آن می‌تواند بسته به تجارب مثبت و منفی، افزایش یا کاهش پیدا کند (سوان^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). عزت نفس یک سازه روان‌شناختی مهم و تعیین‌کننده، با جلوه‌ها و معانی ضمنی متعددی است که از خشونت و تعارض گرفته تا شادکامی و سلامت روان را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر عزت نفس، بعد ارزیابانه خود است که در آن فرد به صورت پدیدارشناسانه توانایی‌ها، صفات و قابلیت‌های خود را ارزیابی می‌کند و نگرشی مبنی بر تأیید یا عدم تأیید خویش شکل می‌دهد (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰). به طور معمول، عزت نفس به ارزیابی شخص از خود مربوط می‌شود (روزنبرگ^۲، ۱۹۶۵). به عبارت دیگر عزت نفس به «آن جنبه ارزیابی‌کننده خودآگاه اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده میزان خود دوست داری اشخاص است» (زیگلر و جردن^۳، ۲۰۱۰).

از مقیاس‌های عزت نفس به منظور پیش‌بینی و تبیین پدیده‌های رفتاری بسیاری استفاده شده است و این خود نشان از نقش مرکزی این سازه در نظریه و تحقیق در روان‌شناسی دارد (کارپینسکی^۴، ۲۰۰۴). به عنوان نمونه، تحقیقات، نشان از وجود رابطه میان سطح عزت نفس و افسردگی و بهزیستی شخصی (کستینگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۱)، تنهایی و طرد شدن از سوی همسالان (استیگر^۶ و همکاران، ۲۰۱۱) دارد. یانگ^۷ و همکاران (۲۰۰۰) طی مطالعه‌ای نشان دادند که عزت نفس پایین می‌تواند کمرویی و افسردگی را پیش‌بینی کند. دنیز و همارتا^۸ (۲۰۰۵) نشان دادند که بین مهارت‌های اجتماعی ضعیف و احساس تنهایی و ارتباطات درون فردی ضعیف و عزت نفس پایین ارتباط وجود دارد. اروزکان^۹ (۲۰۰۹) نیز نشان داد عزت نفس پایین پیش‌بینی‌کننده اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی است. به علاوه این سازه در بافت آسیب‌شناختی روانی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان مثال

۱. Swann

۲. Rosenberg

۳. Zeigler & Jordan

۴. Karpinski

۵. Kesting

۶. Stieger

۷. Young

۸. Deniz & Hamarta

۹. Erozkhan

ابرین، بارتلی و لیتزل^۱ (۲۰۰۶) در بررسی خود عنوان می‌کنند که کلمه عزت نفس ۲۴ بار در چهارمین راهنمای تشخیصی آماری طبقه بندی اختلالات روانی^۲ به عنوان ملاکی برای تشخیص اختلالات موجود و یا به عنوان یک ویژگی مرتبط با بعضی از اختلالات به کار گرفته شده است. تحقیقات زیادی در ایران نشان داده است که عزت نفس به عنوان یک شاخص مهم می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سلامت باشد.

در سال‌های اخیر در نتیجه گسترش «مدل فرایند دو گانه^۳» که هم بر اهمیت فرایندهای خودکار و هم بر فرایندهای تأملی تأکید می‌کند، مطالعات روان‌شناسی شناختی توجه خود را معطوف معرفی دو نوع عزت نفس آشکار^۴ و عزت نفس ناآشکار^۵ نموده است. عزت نفس آشکار به خود ارزیابی‌های انعکاسی و تحلیل‌های تأملی اطلاعات خود مربوط برمی‌گردد. اکثر ارزیابی‌هایی که تا به حال از مفهوم عزت نفس به عمل آمده، مربوط به این سطح از عزت نفس است که سنجش‌های آن عمدتاً بر پایه مقیاس‌های گزارش شخصی از قبیل مقیاس روزنبرگ است. به رغم اینکه گزارش‌های شخصی عزت نفس خالی از فایده نیست، با این حال افراد در اکثر موارد ترجیح می‌دهند هرگونه احساسات منفی در مورد خود را نپذیرند (ویلسون و دان^۶، ۲۰۰۴). از طرف دیگر پژوهش‌ها نشان داده‌اند اصالت گزارش‌های شخصی عزت نفس می‌تواند بدون داشتن هرگونه انگیزه تحریف زیر سؤال برود. مفهوم عزت نفس ناآشکار عمدتاً از دشواری‌های ناشی از سنجش‌های گزارش شخصی در تحقیقات پیشین برخاسته است (گرینوالد^۷ و همکاران، ۲۰۰۲). گرینوالد و بناجی^۸ (۱۹۹۵) اولین بار مفهوم عزت نفس ناآشکار را مطرح کردند و آن را به عنوان «اثری ناشناخته از نگرش به خود در مورد ارزیابی اشیاء و اهداف تداعی یافته با خود» تعریف کرده‌اند (ص ۱۰). عزت نفس ناآشکار به عنوان بخشی خود ارزیابی‌کننده به صورت غیرارادی و اغلب

-
۱. Obrien, Bartoletti & Leitzel
 ۲. DSM-IV-TR
 ۳. Dual-Process Model
 ۴. Explicit self-esteem (ESE)
 ۵. Implicit self-esteem (ISE)
 ۶. Wilson & Dunn
 ۷. Greenwald
 ۸. Banaji

خارج از حیطه آگاهی مفهوم‌سازی شده است که به خود ارزیابی‌های غیر انعکاسی و اغلب خود به خودی برمی‌گردد (کریم‌زاد و همکاران، ۲۰۱۲). عزت نفس ناآشکار را می‌توان به عنوان «نگرش اتوماتیک و ناهشیار نسبت به خود که مجموعه خودارزیابی‌ها و اهداف و موضوع‌های خود مربوط در محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد» پنداشت (فارنهام^۲، گرینوالد و بناجی، ۱۹۹۹). در تعریفی دیگر به عنوان «یک ارزیابی اتوماتیک، بیش آموخته شده و ناهشیار از خود که واکنش‌های خود به خودی به محرک‌های خود مربوط را هدایت می‌کند» (بوسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۰) فرض شده است. نظریه پردازان این حوزه معتقدند که عقاید مثبت در مورد خود به اشیاء یا اهدافی که به خویشتن مربوط است تعمیم پیدا می‌کند (کریزان و سالس^۴، ۲۰۰۸).

متغیرهای زیادی در روان‌شناسی شخصیت با اندازه‌گیری‌های گزارش شخصی سنجش شده‌اند، به این خاطر که از سایر روش‌های ارزیابی آسان‌ترند و در مطالعات متعدد ثابت کرده‌اند که قابل‌اعتمادند. با این حال، بررسی‌ها و اندازه‌گیری‌های آشکار می‌تواند در تضاد با اندازه‌گیری‌های ناآشکار صفات شخصیت باشد. اندازه‌گیری‌های ناآشکار شخصیت از همان ابتدا در روان‌شناسی شخصیت مفید بوده‌اند (ویلسون، لیندزی و اسکولر^۵، ۲۰۰۰). بازنمایی‌های آگاهانه افراد از خویشتن، روایی بالایی از لحاظ ارزشیابی شخصیت ندارد. از این رو باید به سمت روش‌هایی از ارزشیابی شخصیت رفت که از طریق آن‌ها بتوان بر محدودیت‌های روش‌های آشکار غلبه کرد. روش‌های ارزشیابی ناآشکار امید تازه‌ای می‌گشاید تا از طریق آن‌ها بتوان کیفیت سنجش ویژگی‌های شخصیت را افزایش داد و به راه‌های پایاتر و رواتری رسید (اسکمیک و دینر^۶، ۲۰۰۳). فرض بر این است که عزت نفس ناآشکار منعکس‌کننده تداوی‌های ارزشیابی خویشتن است (گرینوالد و همکاران، ۲۰۰۲). از

۱. Creemers

۲. Farnham

۳. Bosson

۴. Krizan & Suls

۵. Wilson, Lindsey, Schooler

۶. Schimmack, Diener

میان روش‌های مختلف سنجش، روشی که بیش از همه به کار گرفته شده است مبتنی است بر به دست آوردن میزان نیرومندی پیوندهای تداعی میان بازنمایی‌های ذهنی «خود» و میزان علاقه فرد به یک محتوا یا شیء و یا هدفی خاص (از قبیل نام، تاریخ تولد، لوازم و آثار) که به خود مربوط است.

مطالعه عزت نفس یکی از فراوان‌ترین روش‌های مطالعه تفاوت‌های فردی در روان‌شناسی است. مطالعات متعددی ثابت کرده‌اند که عزت نفس پیش‌بینی‌کننده پیامدهای مهمی از قبیل پیشرفت تحصیلی، افسردگی، نارضایتی از روابط بین فردی، بزه‌کاری، سلامت روان، عواطف مثبت و منفی و بسیاری متغیرهای مهم دیگر است (بامیستر، کمپل، کروگر و وس^۱، ۲۰۰۳). همچنین بسیاری از روان‌شناسان و مشاوران و روان‌پزشکان برای تشخیص و اندازه‌گیری میزان عزت نفس نیاز به یک ابزار دقیق و پایا دارند که بتوانند در کمترین زمان ممکن به اهداف مورد نظر دست یابند. در همین راستا یکی از ابزارهای مهمی که در بسیاری از پژوهش‌های خارجی برای سنجش عزت نفس ناآشکار توسط محققان مختلف مورد استفاده قرار گرفته است مقیاس ترجیح حروف الفبای نام (آی‌پی‌تی)^۲ است (استیگر، پریس و وراسک^۳، ۲۰۱۲)؛ بنابراین بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس می‌تواند برای بسیاری از محققان و روان‌شناسان و مشاوران در سنجش عزت نفس ناآشکار به صورت دقیق و با حداقل خطا و متناسب با زبان فارسی و فرهنگ کشورمان مفید واقع شود. هدف از اجرای تحقیق حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی (پایایی و روایی) مقیاس ترجیح حروف الفبای نام (آی‌پی‌تی) در بخشی از جامعه ایرانی و انطباق آن با زبان فارسی بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف توسعه‌ای و به لحاظ روش از نوع پیمایشی بود که به منظور بررسی پایایی و روایی مقیاس آی‌پی‌تی انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند که

۱. Baumeister, Campbell, Krueger, Vohs

۲. Name Initial Preferences (IPT)

۳. Stieger, Preyss, Voracek

به تحصیل اشتغال داشتند. از جامعه آماری فوق تعداد ۴۲۰ نفر، شامل ۲۳۹ نفر مرد (۵۷ درصد) و ۱۸۱ نفر زن (۴۳ درصد)، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از این جهت انتخاب شد که با استفاده از آن نسبت دانشجویان در رشته‌های مختلف تحصیلی در نظر گرفته شود. تحقیق حاضر در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول جهت بررسی پایایی مقیاس از ۲۸۰ نفر دانشجوی دانشگاه خواسته شد مقیاس آی‌پی‌تی را دو بار به فاصله ۱۴ روز تکمیل کنند. به آن‌ها آموزش داده شد که در تکمیل این مقیاس با انتخاب و ترجیح‌های بسیار ساده‌ای سروکار خواهند داشت. از آن‌ها خواسته شد تا میزان علاقمندی خود را نسبت به حروف الفبای زبان فارسی بر روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای رتبه‌بندی کنند و در این ارزیابی صرفاً به اولین احساس شهودی که در آن‌ها ایجاد می‌شود توجه کنند. به جهت جذاب بودن مقیاس ترجیح حروف الفبا، تمامی آزمودنی‌ها در بار اول آن را به طور کامل و صحیح تکمیل نمودند اما در بار دوم به ۲۶۲ (۱۵۰ مرد و ۱۱۲ زن) نفر کاهش یافت. در پایان تکمیل مقیاس از همه آزمودنی‌ها خواسته شد تا جدولی را که شامل چند مورد از مشخصات فردی از جمله جنسیت و سن و نیز حروف اول نام و نام خانوادگی و نیز نام مستعار بود پاسخ صحیح دهند. جهت رعایت اخلاق پژوهش تمام آزمودنی‌ها از اهداف اصلی پژوهش آگاه شدند و در مورد پنهان ماندن هویت آزمودنی‌ها اطمینان داده شد. در مرحله دوم جهت بررسی روایی مقیاس آی‌پی‌تی به ۱۴۰ نفر دانشجو چهار ابزار اندازه‌گیری، شامل مقیاس آی‌پی‌تی، مقیاس عزت نفس روزنبرگ^۱، مقیاس عاطفه مثبت/عاطفه منفی^۲ و مقیاس سلامت عمومی^۳ جهت تکمیل ارائه گردید. در این مرحله ۱۵ مقیاس به دلیل مخدوش بودن حذف و از چرخه تحلیل خارج شدند و تعداد نمونه‌روایی پژوهش به ۱۲۵ نفر (۶۸ مرد و ۵۷ زن) کاهش یافت.

ابزارها شامل چهار مقیاس به شرح زیر است:

مقیاس ترجیح حروف الفبای نام (آی‌پی‌تی) اهمیت بسیار زیاد سازه عزت نفس نا آشکار و استفاده از آن در حجم بالایی از تحقیقات بر لزوم به کار گرفتن ابزارهای معتبر برای

-
۱. Rosenberg self-esteem scale (RSES)
 ۲. Positive affect negative affect scale (PANAS)
 ۳. General health Questionnaire (GHQ)

سنجش آن صحنه می‌گذارد. یکی از ابزارهایی که بیش از همه برای سنجش عزت نفس نا آشکار استفاده شده است مقیاس ترجیح حروف الفبای نام آی‌پی‌تی است که نام دیگر آن مقیاس تکلیف حروف الفبای نام^۱ است (گیباور، ریکتا، برومر و مایو^۲، ۲۰۰۸). آی‌پی‌تی اولین بار توسط نوتین^۳ (۱۹۸۵) ساخته شد و بعدها توسط محققان دیگری از جمله گرینوالد و بناجی (۱۹۹۵) و جونز، پلهام، میرنبرگ و هتس^۴ (۲۰۰۲) تکمیل شد. منطبق مقیاس آی‌پی‌تی بر اساس اثر نام-حروف الفبا استوار شده است. بر اساس این اثر، افراد به طور ناهشیار حروف نام خود را بر حروف غیر نام خود ترجیح می‌دهند. عقیده زیربنایی در این زمینه بیان می‌کند که عقاید مثبت در مورد «خود» به اشیاء یا اهدافی که به خود مربوط است تعمیم پیدا می‌کند (کریزان و سالس، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان داده‌اند که افراد، اهداف و اشیاء مربوط به خود را بیش از اهداف و اشیاء غیر مربوط به خود ارزش‌گذاری می‌کنند. در این آزمون از آزمودنی خواسته می‌شود تا با حداکثر سرعت، میزان علاقه‌مندی و عواطف مثبت خود را نسبت به حروف الفبای زبان رایج که در یک جدول به طور تصادفی چاپ شده است، با استفاده از یک مقیاس دارای طیف لیکرت از ۱ (به هیچ وجه دوست ندارم) تا ۹ (بسیار زیاد دوست دارم) درجه‌بندی کند. از افراد خواسته می‌شود با اولین احساس درونی که به صورت شهودی در مورد هر یک از حروف الفبا ایجاد می‌شود به نمره‌گذاری اقدام کنند. برای نحوه نمره‌گذاری این مقیاس الگوهای مختلفی ارائه شده است که پذیرفته‌شده‌ترین آن‌ها به الگوریتم اس^۵ یا الگوریتم خود تصحیح‌شده^۶ موسوم است. این نوع نمره‌گذاری در سه مرحله انجام می‌شود: (۱) متوسط علاقه‌مندی و دوست داشتن هر حرف الفبا برای افرادی که نام آن‌ها با آن حرف شروع نمی‌شود محاسبه و به عنوان نمره خط پایه هر حرف الفبا در نظر گرفته می‌شود. (۲) نمره حرف الفبای اول نام هر آزمودنی از این نمره خط پایه کسر می‌گردد. و برای حرف اول نام خانوادگی نیز به همین ترتیب عمل

-
۱. Name Letter Task (NLT)
 ۲. Gebauer, Riketta, Broemer, Maio
 ۳. Nuttin
 ۴. Jones, Pelham, Mirenberg, Hetts,
 ۵. S - algorithm
 ۶. Self corrected

می‌شود. ۳) میانگین دو نمره تفاوتی نام و نام خانوادگی، تشکیل‌دهنده میزان عزت نفس نا آشکار آزمودنی در این آزمون است (کول، گاورن، چنگ و گالوچی^۱، ۲۰۰۹). هرچه نمره در این تکلیف بیشتر باشد نشان‌دهنده عزت نفس بالاتر آزمودنی است. این مقیاس در پژوهش‌های بسیاری برای سنجش عزت نفس نا آشکار مورد استفاده قرار گرفته است و در طول سالیان اخیر نشان داده است که به طور معتبری می‌تواند عزت نفس نا آشکار را سنجش کند (کول و همکاران، ۲۰۰۹). به طور کلی به هنگام تکمیل مقیاس آی‌پی‌تی افراد از فرایندهای شناختی موجود در خود ارزیابی آگاه نیستند (جونز، پلهام و میرنبرگ^۲، ۲۰۰۲). آی‌پی‌تی پایایی و روایی نیرومندی در پژوهش‌های مختلف از خود نشان داده است. از جمله بوسون و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه خود پایایی باز آزمایی این مقیاس را به فاصله ۳۱ روز معادل ۰/۷۹ و نیز همسانی درونی بالایی به روش دو نیمه کردن معادل ۰/۸۸ به دست آوردند. این محققان پایایی باز آزمایی هفت نوع مقیاس سنجش عزت نفس نا آشکار را بررسی کردند نتایج تا حدود زیادی متفاوت از هم در آمد. چهار مورد از مقیاس‌ها همبستگی‌های ضعیفی باهم نشان دادند ($r_c < 0/30$) که نشان‌دهنده ضعف جدی در سنجش شخصیت بودند با این حال سه ابزار دیگر پایایی باز آزمایی قابل‌اعتمادی از خود نشان دادند که از میان آن‌ها آی‌پی‌تی به عنوان یکی از ابزارهای معتبر برای سنجش عزت نفس نا آشکار معرفی شد. در این پژوهش همچنین روایی همگرا و روایی پیش بین مقیاس‌های عزت نفس آشکار و نا آشکار هم بررسی شد که مقیاس آی‌پی‌تی توانست همانند مقیاس‌های عزت نفس آشکار از جمله مقیاس روزنبرگ پیش‌بینی‌کننده معنی‌دار بهزیستی روانی (رضایت از زندگی، عاطفه مثبت، و عاطفه منفی کم) باشد (بوسون و همکاران، ۲۰۰۰). در همین سال محققان دیگری (گرینوالد و فارنهام^۳، ۲۰۰۰) دست به تکرار بررسی پایایی باز آزمایی این مقیاس بر روی ۸۹۵ نفر به فاصله زمانی ۳۸ روزه زدند. این محققان همبستگی میان اندازه‌های آی‌پی‌تی را ۰/۸۳ محاسبه کردند که از همان سال‌های اول، شایستگی و اعتبار آن باعث شد در

۱. Koole, Govorun, Cheng, Gallucci

۲. Jones, Pelham, Mirenberg

۳. Greenwald & Farnham

پژوهش‌های بسیاری مورد استفاده قرار گیرد. در مطالعه‌ای دیگر مشخص شد نمرات بالا در این مقیاس همانند نمرات بالا در مقیاس عزت نفس آشکار روزنبرگ با تمایل به ارتقای سلامت خود^۱ همراه است (بوسون و همکاران، ۲۰۰۳). در یک مطالعه دیگر فرانک، رادت و هور^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که مقیاس آی‌پی‌تی دارای روایی پیش بین قدرتمندی برای نشانه‌های افسردگی در طول شش ماه آینده، هم در افراد سالم، هم در افراد افسرده و هم در افرادی که قبلاً دچار افسردگی شده‌اند، است. همچنین رودولف^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای برای افزایش پایایی اندازه‌های آی‌پی‌تی آن را دو بار بر روی آزمودنی‌های خود اجرا کردند. نتایج این مطالعه نشان داد پایایی باز آزمایی آن میان اولین و دومین اجرا رضایت‌بخش و برای نام، معادل ۰/۸۲ و برای نام خانوادگی، معادل ۰/۷۷ بود. اخیراً استیگر، وراسک و فورمن^۴ (۲۰۱۲) در یک مطالعه فراتحلیل به بررسی توانایی مقیاس آی‌پی‌تی در سنجش غیرمستقیم عزت نفس نا آشکار و نیز بررسی پایایی و روایی آن پرداختند. در این مطالعه مشخص شد که آی‌پی‌تی ابزاری معتبر در سنجش عزت نفس نا آشکار است و از شرایط مناسبی برای تأیید پایایی و روایی لازم برخوردار است. آن‌ها پایایی باز آزمایی آی‌پی‌تی را در مجموع چندین پژوهش ۰/۷۱ برآورد کردند.

مقیاس‌هایی که برای بررسی روایی به عنوان ملاک انتخاب شده‌اند عبارت‌اند از:

مقیاس عزت نفس روزنبرگ (آراس‌ای‌اس). برای سنجش عزت نفس آشکار از آراس‌ای‌اس استفاده می‌شود. این مقیاس از ۱۰ ماده تشکیل شده است که در آن از آزمودنی خواسته می‌شود تا بر اساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» به دقت به آن‌ها پاسخ دهد. تحقیقات نشان داده که آراس‌ای‌اس یک مقیاس دوبعدی است.

۱. self enhance

۲. Franck, Raedt, Houwer

۳. Rudolph

۴. Stieger, Voracek, Formann

یک بعد مثبت «خود دوست داری»^۱ و یک بعد منفی «تحقیر خود»^۲. به همین دلیل پنج سؤال اول این مقیاس به صورت مثبت و پنج سؤال دوم آن به صورت منفی طراحی شده است. پاسخ‌های مربوط به سؤالات منفی معکوس می‌گردند و با پاسخ‌های مربوط به سؤالات مثبت جمع می‌شوند تا نمره کلی عزت نفس آشکار فرد به دست آید. دامنه نمرات این مقیاس از ۱۰ تا ۴۰ بوده که نمرات بالاتر نشان‌دهنده عزت نفس بالاتر است. شاخص‌های روان‌سنجی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده است. از جمله شاپوریان و همکاران (۱۹۸۷) ویژگی‌های آماری این مقیاس را بر روی دو گروه دانشجوی ایرانی و آمریکایی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش همسانی درونی مقیاس در نمونه اول ۰/۸۳ و در نمونه دوم ۰/۸۲ و پایایی باز آزمایی آن در طول یک دوره سه هفته‌ای معادل ۰/۸۴ به دست آمد. همچنین جوشن لو و قاندى (۱۳۸۷) با استفاده از یک نمونه ۹۱۷ نفری همسانی درونی معادل ۰/۸۳ برای نسخه فارسی آن به دست آوردند.

پرسشنامه سلامت عمومی (جی‌اچ‌کیو). پرسشنامه سلامت عمومی اولین بار توسط گلدبرگ (۱۹۷۲) تنظیم گردید. این پرسشنامه، علائم مرضی فرد را از یک ماه قبل تا زمان اجرای آزمون مورد ارزیابی قرار می‌دهد. رایج‌ترین روش نمره‌گذاری آن نیز نوع لیکرت است. نسخه ۲۸ سؤالی آن نسبت به سایر نسخه‌های دیگر جی‌اچ‌کیو دارای بیشترین میزان اعتبار، حساسیت و ویژگی است. چهار عامل اساسی شامل مقیاس‌های علائم جسمانی، علائم اضطراب و اختلال خواب، اختلال کارکرد اجتماعی و مقیاس افسردگی را مورد سنجش قرار می‌دهد. هر یک از مقیاس‌ها دارای ۷ سؤال است. سؤالات هر مقیاس به ترتیب پشت سر هم آمده است. حداکثر نمره آزمودنی با این روش ۸۴ خواهد بود. گلدبرگ (۱۹۷۲) در مطالعه اولیه‌اش اعتبار جی‌اچ‌کیو را محاسبه و گزارش داد که شاخص‌های حساسیت، ویژگی و میزان اشتباه طبقه‌بندی کلی فرم ۶۰ سؤالی جی‌اچ‌کیو با روش نمره‌گذاری لیکرتی به ترتیب برابر ۰/۷۷/۵، ۰/۸۸/۴، ۰/۱۵/۴ است. در یک مطالعه دیگر ساختار عاملی، روایی و پایایی جی‌اچ‌کیو بر روی یک نمونه ۷۳۲ نفری بررسی گردید. با روش باز آزمایی، ضریب پایایی

۱. self-liking

۲. self-derogation

۰/۷۴ و با در نظر گرفتن نقطه برش ۶/۷ حساسیت آزمون ۰/۸۸ و ویژگی آن ۰/۸۴/۲ به دست آمد (گیونز و همکاران، ۲۰۰۴). این شاخص‌ها در مطالعه اولیه‌ای که در ایران بر روی جی‌اچ کیو انجام شد به ترتیب برابر با ۰/۸۶/۵، ۰/۸۲/۱۶ و محاسبه شده است (یعقوبی، ۱۳۷۴). در پژوهشی دیگر توسط هومن ضریب همسانی درونی مربوط به نمرات خام و استاندارد شده بر مبنای آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۳ به دست آمده است (به نقل از شریفی و همکاران، ۱۳۸۴).

مقیاس عاطفه مثبت/عاطفه منفی^۱ (پی‌آن‌آس) این مقیاس توسط واتسون، کلارک و تله گن^۲ (۱۹۸۸) برای اندازه‌گیری عاطفه مثبت (پی‌آ) و عاطفه منفی (ان‌آ) ساخته شده و شامل ۲۰ ماده است که ده ماده آن مربوط به عواطف مثبت و ده ماده دیگر مربوط به عواطف منفی است و به صورت طیف پنج گزینه‌ای نمره‌گذاری شده، به این صورت که به گزینه خیلی کم نمره ۱ و به پاسخ خیلی زیاد نمره ۵ تعلق می‌گیرد. پایایی این مقیاس به شیوه آلفای کرونباخ برای مقیاس عواطف مثبت ۰/۸۸ و عواطف منفی ۰/۸۷ و به شیوه باز آزمایی برای مقیاس‌های مذکور به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۷۱ به دست آمده است (واتسون، کلارک و تله گن، ۱۹۸۸). در پژوهش مظفری (۱۳۸۲) میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مذکور به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۲ و به شیوه باز آزمایی ۰/۶۵ و ۰/۶۸ به دست آمده است.

یافته‌ها

در جدول ۱ مشخصات ماده‌های مقیاس آی‌پی‌تی و دامنه نمرات آن‌ها و شاخص‌های آمار توصیفی مقیاس از قبیل میانه، میانگین و انحراف معیار نمرات به دست آمده از نمونه پژوهش ارائه شده است.

۱. Positive affect negative affect scale

۲. Watson, Clark, Tellegen

جدول ۱. شاخص‌های آمار توصیفی مقیاس آی‌بی‌تی

ماده	حرف الفبا	دامنه	میان	میانگین	انحراف معیار	ماده	حرف الفبا	دامنه	میان	میانگین	انحراف معیار
۱	الف	۱-۹	۸	۶,۹۹	۲,۲۱۱	۱۷	ص	۱-۹	۵	۴,۷۸	۲,۳۷۶
۲	ب	۱-۹	۷	۶,۳۹	۲,۲۴۲	۱۸	ض	۱-۹	۴	۳,۷۷	۲,۱۹۲
۳	پ	۱-۹	۵	۵,۳۳	۲,۵۶۴	۱۹	ط	۱-۹	۴	۴,۰۳	۲,۳۹۲
۴	ت	۱-۹	۵	۴,۸۹	۲,۴۱۳	۲۰	ظ	۱-۹	۳	۳,۴۴	۲,۱۵۰
۵	ث	۱-۹	۴	۳,۹۵	۲,۳۷۵	۲۱	ع	۱-۹	۵	۴,۹۸	۲,۵۴۵
۶	ج	۱-۹	۵	۴,۹۲	۲,۵۵۵	۲۲	غ	۱-۹	۴	۴,۰۹	۲,۳۹۵
۷	چ	۱-۹	۳	۳,۹۳	۲,۴۰۹	۲۳	ف	۱-۹	۶	۵,۹۳	۲,۴۳۸
۸	ح	۱-۹	۴	۴,۷۰	۲,۷۲۱	۲۴	ق	۱-۹	۴	۴,۶۲	۲,۴۱۸
۹	خ	۱-۹	۵	۵,۳۸	۴,۵۰۸	۲۵	ک	۱-۹	۶	۵,۹۱	۲,۳۰۰
۱۰	د	۱-۹	۶	۵,۷۳	۲,۴۵۰	۲۶	گ	۱-۹	۵	۴,۷۹	۲,۵۴۵
۱۱	ذ	۱-۹	۳	۳,۵۸	۲,۳۰۰	۲۷	ل	۱-۹	۶	۵,۴۷	۲,۴۵۷
۱۲	ر	۱-۹	۶	۵,۸۵	۲,۴۳۳	۲۸	م	۱-۹	۸	۷,۴۵	۲,۰۷۶
۱۳	ز	۱-۹	۵	۵,۱۶	۲,۴۲۴	۲۹	ن	۱-۹	۷	۶,۸۱	۲,۲۳۴
۱۴	ژ	۱-۹	۵	۴,۶۸	۲,۶۷۸	۳۰	و	۱-۹	۶	۵,۴۶	۲,۴۲۱
۱۵	س	۱-۹	۸	۶,۹۰	۲,۲۱۰	۳۱	ه	۱-۹	۵	۵,۰۵	۲,۷۲۳
۱۶	ش	۱-۹	۷	۶,۴۹	۲,۴۲۵	۳۲	ی	۱-۹	۷	۶,۲۰	۲,۵۷۵

n= ۲۶۲

جدول ۱ شاخص‌های آمار توصیفی به دست آمده از مقیاس آی‌بی‌تی، شامل دامنه نمره، میان، میانگین و انحراف معیار را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۱ ملاحظه می‌شود به ترتیب در حروف الفبای م، الف، س، بالاترین میان و میانگین و در حروف الفبای ظ، ذ، چ، پایین‌ترین میان و میانگین به دست آمده است؛ به عبارت دیگر آزمودنی‌ها به حروف الفبای (م) و (الف) و (س) بیشترین علاقه و به حروف الفبای (ظ) و (ذ) و (چ) کمترین علاقه را نشان داده‌اند.

جدول ۲. ضرایب پایایی مقیاس آی‌پی‌تی

نوع آزمون	ضریب باز آزمایی	ضریب دو نیمه کردن	ضریب آلفای کرونباخ
حرف اول نام	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۸۳
حرف اول نام خانوادگی	۰/۷۸	۰/۸۲	۰/۸۱
نمره کل مقیاس	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۸۷

n= ۲۶۲

جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون (پایایی بیرونی) بین ارزیابی‌های بار اول و دوم (به فاصله ۱۴ روز) بر روی ۲۶۲ دانشجو (۱۵۰ مرد و ۱۱۲ زن) با میانگین سنی (۲۴/۵۱ سال) برای حروف اول نام ۰/۸۲ و حروف اول نام خانوادگی ۰/۷۸ و برای کل مقیاس ۰/۸۴ است. همچنین از داده‌های جدول ۲ مشخص می‌شود که پایایی درونی مقیاس آی‌پی‌تی هم از لحاظ ضریب دو نیمه کردن (تتصیف) و هم از لحاظ ضریب آلفای کرونباخ، چه برای حروف اول نام و چه برای حروف اول نام خانوادگی و چه برای نمره کل مقیاس در سطح بالا و رضایت‌بخش (بزرگ‌تر از ۰/۷۰) بوده و حاکی از ثبات اندازه‌گیری و همگونی ماده‌های مقیاس است. همچنین در پژوهش حاضر همبستگی بین ارزیابی‌های افراد نمونه از حروف اول نام خود و حروف اول نام خانوادگی خود برابر با $P < ۰/۰۰۱$ و $r = ۰/۶۴$ است که این ضریب نیز خود می‌تواند به عنوان نوعی شاخص همسانی درونی بالای مقیاس آی‌پی‌تی در نظر گرفته شود (کریران و سالس، ۲۰۰۸).

به منظور بررسی روایی همزمان مقیاس آی‌پی‌تی، این مقیاس همزمان با مقیاس‌های عزت نفس روزنبرگ، مقیاس سلامت عمومی، مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی بر روی یک نمونه ۱۲۵ نفری (۶۸ مرد و ۵۷ زن) دانشجوی دانشگاه با میانگین سنی (۲۲/۴۶ سال) اجرا شد. انتظار این بود که سازه عزت نفس نا آشکار ارتباط مثبت با سازه‌های عزت نفس آشکار و سلامت روان و عاطفه مثبت؛ و با سازه عاطفه منفی ارتباط منفی داشته باشد. داده‌های مربوط به بررسی روایی مقیاس آی‌پی‌تی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی آی‌پی‌تی با مقیاس‌های ملاک

نوع آزمون	مقیاس سلامت عمومی (GHQ)	مقیاس عاطفه مثبت (PA)	مقیاس عاطفه منفی (NA)	مقیاس عزت نفس روزنبرگ (RSES)
حرف اول نام	۰/۵۹*	۰/۴۷*	-۰/۳۹*	۰/۳۲*
حرف اول نام خانوادگی	۰/۴۸*	۰/۳۹*	-۰/۳۱*	۰/۲۷*
نمره کل مقیاس	۰/۵۶*	۰/۴۴*	-۰/۳۶*	۰/۳۰*

* $P < 0.001$ $n = 125$

همان‌طور که از داده‌های جدول ۳ ملاحظه می‌شود همبستگی بین نمرات مقیاس آی‌پی‌تی از هر سه نوع (نام، نام خانوادگی و نمره کل) و سلامت عمومی و مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی از لحاظ آماری ($P < 0.001$) معنادار است و بیشترین همبستگی مربوط به ارتباط میان آی‌پی‌تی و مقیاس سلامت عمومی ($r = 0.59$) و کمترین همبستگی مربوط به ارتباط میان آی‌پی‌تی و مقیاس عزت نفس روزنبرگ ($r = 0.30$) است.

به منظور بررسی تأثیر جنسیت بر نمرات کل عزت نفس نا آشکار در مقیاس آی‌پی‌تی از آزمون یومان- ویتنی استفاده شد. جدول ۴ نتایج مربوط به این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون یومان- ویتنی همراه با میانه و دامنه تغییرات نمرات کلی عزت نفس نا آشکار

جنسیت	تعداد	میانه	دامنه تغییرات	مقدار u	سطح معنی داری
مرد	۱۴۹	۳,۱۹	۱-۹	۸۲۴۲,۵	.۷۷۲
زن	۱۱۳	۳,۱۲	۱-۹		
کل	۲۶۲	۳,۱۷	۱-۹		

در جدول ۴ نتایج اجرای آزمون یومان- ویتنی همراه با میانه و دامنه نمرات کلی برای گروه‌های مرد و زن ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بین زنان و مردان از لحاظ میزان عزت نفس نا آشکار ($u = 8242.5$ و $p = 0.772$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و اثر جنسیت بر میزان نمرات عزت نفس معنی‌دار نیست.

بحث

در این پژوهش تلاش شد درک واضح‌تری از سازه عزت نفس نا آشکار به عنوان مفهومی جدید در مطالعات عزت نفس به دست آورده شود. برای رسیدن به این هدف به بررسی

مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی یکی از پرکاربردترین مقیاس‌های عزت نفس نا آشکار به نام مقیاس آی‌پی‌تی و به طور خاص بررسی پایایی و روایی مقیاس حاضر در جامعه ایرانی پرداخته شد. بررسی و انتخاب مقیاس آی‌پی‌تی در مطالعه حاضر به این سبب بود که چنین ابزاری در جامعه ایرانی تاکنون برای سنجش عزت نفس مورد استفاده قرار نگرفته است و اجرای آن در این مطالعه برای اولین بار در ایران است که با حروف الفبای زبان فارسی انطباق داده شده است. علاوه بر آن بررسی روایی و پایایی مقیاس آی‌پی‌تی می‌تواند راهگشای انجام تحقیقات بسیاری برای مطالعه سازه جدید و بحث‌انگیز عزت نفس نا آشکار به عنوان یک سازه جدید در روان‌شناسی و بررسی‌های صفات شخصیت باشد. بر اساس نظر محققان (برای مثال گیاور، ریگتا، برومر و مایو، ۲۰۰۸)، اخیراً سنجش‌های نا آشکار از عزت نفس توجه‌های نظری و تجربی فراوانی را از سوی محققان و روان‌شناسان به خود جلب کرده است و با اینکه هنوز بر سر این که مفاهیم عزت نفس آشکار و نا آشکار دارای ساختارهای نظری همسانی هستند یا خیر اتفاق نظر کاملی میان محققان به وجود نیامده، اما بر سر این موضوع توافق همگانی وجود دارد که اندازه‌گیری و سنجش‌های نا آشکار عزت نفس امروزه جزء جدایی‌ناپذیر و کامل‌کننده مطالعات عزت نفس است و استفاده از داده‌های عزت نفس نا آشکار در کنار داده‌های عزت نفس آشکار بسیار حیاتی و ضروری است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مقیاس آی‌پی‌تی لااقل از لحاظ ویژگی‌های مقدماتی روان‌سنجی و انطباق‌پذیری آن با حروف الفبای زبان فارسی در جامعه ایرانی از شایستگی و کفایت لازم برای سنجش مفهوم عزت نفس نا آشکار بر اساس مبانی نظری شناخت اجتماعی برخوردار است. شاخص ضریب پایایی آی‌پی‌تی به روش باز آزمایی ۰/۸۴ و همچنین ضرایب همسانی درونی مقیاس برای ضریب دو نیمه کردن (تصنیف) و ضریب آلفای کرونباخ بر روی یک نمونه تصادفی دانشجویی ۲۶۲ نفری به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۸۷ شد که در نوع خود در حد قابل قبول و مناسبی است. به طور کلی یافته‌های پژوهش در مورد پایایی مقیاس آی‌پی‌تی با نتایج پژوهش‌های قبلی انجام شده از جمله بوسون و همکاران (۲۰۰۰)، اسکمیک و دینر (۲۰۰۳)، استیگر، فورمن و برگر (۲۰۱۱)، استیگر، پریس و وراسک (۲۰۱۲)، کریزان و سالس (۲۰۰۸)؛ کلیستروم (۲۰۰۴)، کول و پلهام (۲۰۰۳)،

کول و همکاران (۲۰۰۱)، گیباور، ریکتا، برومر و مایو (۲۰۰۸) و دهارت و همکاران (۲۰۰۹)، مطابقت نزدیک دارد. یافته‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که مقیاس آی‌پی‌تی را می‌توان به عنوان ابزاری پایا که در اندازه‌گیری عزت نفس نا آشکار از دقت لازم برخوردار است، می‌توان حداقل در بخشی از جامعه ایرانی به کار بست.

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آی‌پی‌تی از روایی همگرایی قابل‌قبولی برخوردار است. همبستگی معنادار بین نمره کل مقیاس آی‌پی‌تی و مقیاس سلامت عمومی و عواطف مثبت و عزت نفس روزنبرگ به عنوان مقیاس‌های ملاک به ترتیب برابر با ۰/۵۶، ۰/۴۴ و ۰/۳۰ بود که در هر سه زمینه بیانگر روایی همگرایی بالای مقیاس است. همچنین همبستگی معنادار بین نمره کل مقیاس آی‌پی‌تی و مقیاس عواطف منفی (۰/۳۶-) بیانگر روایی واگرایی بالای مقیاس است. یافته‌های این قسمت از پژوهش نیز با نتایج پژوهش‌های بوسون و همکاران (۲۰۰۲)، اسکمیک و دینر (۲۰۰۳)، دینر دینر (۱۹۹۵)، استیگر، پریس و وراسک (۲۰۱۲)، رودولف و همکاران (۲۰۰۸)، بامیستر و همکاران (۲۰۰۳)، هافمن و همکاران (۲۰۰۵) و باکوس، بالدوین و باکر (۲۰۰۴)، مطابقت دارد. ضرایب همبستگی به دست آمده با مقیاس‌های سلامت عمومی، عواطف مثبت و عواطف منفی در سطح متوسط بوده و با توجه به سازه عزت نفس قابل انتظار بود. همبستگی مثبت و منفی به دست آمده با مقیاس‌های فوق نشان‌دهنده آن است که هرچه عزت نفس دانشجویان بالاتر باشد نشانگان سلامت عمومی و عواطف مثبت در آنان بالاتر و نشانگان عواطف منفی در آنان پایین‌تر خواهد بود. همبستگی با مقیاس‌های ذکر شده بیانگر اهمیت اعتبار سازه‌ای مقیاس آی‌پی‌تی در سنجش عزت نفس نا آشکار در آزمودنی‌های ایرانی است. نکته‌ای که در اینجا بیشتر قابل بحث است همبستگی میان عزت نفس نا آشکار و آشکار به دست آمده از مقیاس عزت نفس روزنبرگ است که گرچه در سطح معنی‌داری است اما با اینکه هر دو نمره جزو سازه عزت نفس هستند از میان ابزارهای ملاک دارای کمترین همبستگی است. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا عزت نفس آشکار و نا آشکار هر دو ماهیتی جدا از هم دارند؟ از یک طرف تعداد زیادی از مطالعات (از جمله بوسون و همکاران، ۲۰۰۰؛ کول

و دهارت^۱، ۲۰۰۷؛ کلیستروم^۲، ۲۰۰۴) نشان داده‌اند که سنجش‌های به عمل آمده از عزت نفس نا آشکار از جمله مقیاس آی‌پی‌تی ارتباط ضعیفی با سنجش‌های مرسوم عزت نفس آشکار از قبیل مقیاس روزنبرگ دارند. این نتایج باعث شده تعدادی از محققان اظهار کنند که عزت نفس آشکار و نا آشکار سازه‌هایی جدا از هم هستند. با این حال تعداد دیگری از محققان به تفسیرهایی که بیش از حد به متمایز بودن ماهیت عزت نفس آشکار و نا آشکار تأکید می‌کنند، هشدار داده‌اند که روش‌های سنجش این دو شامل روش‌های کاملاً مجزایی هستند. در این زمینه کلیستروم (۲۰۰۴) توجه ما را به این نکته مهم جلب می‌کند که «تنها زمانی که منابع واریانس روش اندازه‌گیری حذف و یا به حداقل رسانده شود می‌توان امیدوار بود که رابطه صحیحی میان سنجش‌های به عمل آمده به روش آشکار و نا آشکار را می‌توان ترسیم کرد». بر اساس نظریه فرایند دوگانه شناخت انسان^۳ (برای مثال استراک و داچ^۴، ۲۰۰۴) عزت نفس آشکار تصور یا عقیده رایج و هشیاری است که منعکس‌کننده عملکرد نظام منطقی-انعکاسی^۵ است؛ در حالی که عزت نفس نا آشکار تصور یا عقیده‌ای است منعکس‌کننده عملکرد نظام تجربی-انعکاسی^۱ (کول و دهارت، ۲۰۰۷). اگر واقعاً عزت نفس آشکار و نا آشکار توسط فرایندهای مجزایی شکل می‌گیرند، همبستگی پایین میان سنجش‌های آن‌ها دور از انتظار نیست. با این حال پایین بودن همبستگی میان سنجش‌های آشکار و نا آشکار عزت نفس را نبایستی به سرعت به عنوان شواهدی در نظر گرفت که در این تمایز ممکن است مشارکت داشته باشند، از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌تواند: خطای اندازه‌گیری، واریانس روش یکسان و فقدان تطابق مفهومی در محرک‌های به کار گرفته در سنجش‌های آشکار و نا آشکار باشند. نکته آخر اینکه مقایسه نتایج عزت نفس نا آشکار

۱. Koole, DeHart

۲. Kihlstrom

۳. dual-process theory of human cognition

۴. Strack & Deutsch

۵. rational-reflexive system

۶. experiential-impulsive system

مردان و زنان در این پژوهش نشان داد که بین عزت نفس ناآشکار مردان و زنان در این جامعه تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد زنان همانند مردان می‌توانند خود را فردی با ارزش و سودمند به حساب آورند. این بخش از یافته‌های تحقیق نیز از این جهت که در اکثر مطالعات عزت نفس آشکار مردان بالاتر از زنان و عزت نفس ناآشکار مردان و زنان همسان است در توافق با نتایج پژوهش‌های خارجی است (برای مثال، بوسون و همکاران، ۲۰۰۰؛ گرینوالد و فارنهام، ۲۰۰۰؛ کریزان، ۲۰۰۸؛ دهارت و همکاران، ۲۰۰۹). همسان بودن میزان عزت نفس ناآشکار مردان و زنان نشان‌دهنده افزایش سطح طرحواره‌های خود ارزیابی در میان زنان نسبت به سال‌های گذشته و افزایش سطح خود تمایز یافتگی همسان با مردان است.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که مقیاس آی‌پی‌تی در جامعه ایرانی دارای روایی و پایایی قابل قبول و شایسته‌ای است. با توجه به بالا و مناسب بودن شاخص‌های روان‌سنجی این مقیاس می‌توان گفت که این ابزار یک مقیاس مفید و مناسب برای ارزیابی عزت نفس ناآشکار در جوامع غیر بالینی ایرانی است. همچنین تشابه نتایج گزارش شده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های حاصل از زبان‌های خارجی حاکی از مناسب بودن برگردان زبان این مقیاس به فارسی است. در خاتمه لازم به یادآوری است که گرچه جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان مختلف از مناطق مختلف ایران بود، اما از آنجا که این مطالعه بر روی نمونه‌ای از دانشگاه‌های شهر سنندج انجام گرفته است در تعمیم نتایج آن به کل جامعه ایرانی بایستی با احتیاط برخورد کرد. با استناد به نتایج این پژوهش، بررسی‌های بیشتر و وسیع‌تری بر روی جوامع بزرگ‌تر و متفاوت‌تری در تحقیقات آینده پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- جوشن لو، محسن؛ قاندي، غلامحسين. (۱۳۸۷). بررسی مجدد پایایی و اعتبار مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، ۳۱، ۴۹-۵۶.
- شریفی، طیبه، مهرابی زاده، مهناز. شکر کن، حسین. (۱۳۸۴). نگرش دینی و سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار). ۱۱(۱)، ۴۰-۸۹-۹۹.
- یعقوبی، حمید. (۱۳۷۴). بررسی همه‌گیر شناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی صومعه سرا-گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- Baccus, J. R., Baldwin, M. W., & Packer, D. J. (2004). Increasing implicit self-esteem through classical conditioning. *Psychological Science*, 15, 498 – 502.
- Baumeister, R. F., Campbell, J. D., Krueger, J. I., & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *Psychological Science in the Public Interest*, 4, 1–44.
- Bosson, J. K., Swann, W. B., & Pennebaker, J. W. (2000). Stalking the perfect measure of implicit self-esteem: The blind man and the elephant revisited? *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 631 - 643.
- Bosson, J. K., Brown, R. P., Zeigler-Hill, V., & Swann, W. B. Jr., (2003). Self-enhancement tendencies among people with high explicit self-esteem: The moderating role of implicit self-esteem. *Self and Identity*, 2, 169–187.
- Creemers, D. Scholte, R. Engels, R. Prinstein, M. Wiers, R. (2012). Implicit and explicit self-esteem as concurrent predictors of suicidal ideation, depressive symptoms, and loneliness. *J. Behav. Ther. & Exp. Psychiat.* 43, 638-646.
- Crocker, J., Knight, K. M., (2005). Contingencies of self-worth. *Curr. Dir. Psychol. Sci.* 14, 200–203.
- Deniz, M. E., & Hamarta, E. Arı, R. (2005). An investigation of social skills and loneliness levels of university students with respect to their attachment styles in a sample of Turkish students. *Social Behavior and Personality: An international journal*, 33 (1), 19-30.
- Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653–663.

- Erozkan, Atilgan. (2009). The Predictors of Loneliness in Adolescents. *Elementary Education Online*, 8(3), 809-819.
- Farnham, S. D., Greenwald, A. G., & Banaji, M. R. (1999). Implicit self-esteem. In D. Abrams & M. Hogg (Eds.), *Social identity and social cognition*(pp. 230-248). Oxford, UK: Blackwell.
- Franck, E., De Raedt, R., Dereu, M., & Van den Abbeele, D. (2007). Implicit and explicit self-esteem in currently depressed individuals with and without suicidal ideation. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 38,75–85.
- Gebauer, j. Riketta, M. Broemer, P. Maio, G. (2008). “How much do you like your name?” An implicit measure of global self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology* 44, 1346–1354.
- Greenwald, A. G., & Banaji, M. R. (1995). Implicit social cognition: Attitudes, self-esteem, and stereotypes. *Psychological Review*, 102, 4-27.
- Greenwald, A. G., Banaji, M. R., Rudman, L. A., Farnham, S. D., Nosek, B. A., & Mellott, D. S. (2002). A unified theory of implicit attitudes, stereotypes, self-esteem, and self-concept. *Psychological Review*, 109, 3-25.
- Greenwald, A. G., & Farnham, S. D. (2000). Using the Implicit Association Test to measure self-esteem and self-concept. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 1022-1038.
- Hofmann, W., Gawronski, B., Gschwendner, T., Le, H., & Schmitt, M. (2005). A meta-analysis on the correlation between the Implicit Association Test and explicit self-report measures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1369–1385.
- Jones, J.T., Pelham, B.W., & Mirenberg, M.C. (2002). Name letter preferences are not merely mere exposure: Implicit egotism as self-regulation. *Journal of Experimental Social Psychology*, 38, 170–177.
- Karpinski, A. (2004). Measuring self-esteem using the IAT: the role of the other. *Pers. Soc. Psychol. Bull.*30, 22–34.
- Kesting, M. & et al. (2011). When paranoia fails to enhance self-esteem: Explicit and implicit self-esteem and its discrepancy in patients with persecutory delusions compared to depressed and healthy controls. *Psychiatry Research* 186, 197–202.
- Kihlstrom, J. F. (2004). Implicit methods in social psychology. In C. Sansone, C. Morf, & A. Panter (Eds.), *The Sage handbook of methods in social psychology*(pp. 195–212). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Koole, S. L., Dijksterhuis, A., & Knippenberg, A.(2001). What's in a name: Implicit self-esteem and the automatic self. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 669 - 685.
- Koole, S. L., & Pelham, B. W. (2003). On the nature of implicit self-esteem: The case of the name letter effect. In S. Spencer, S. Fein, & M. P. Zanna

- (Eds.). *Motivated social perception: The Ontario symposium* (Vol. 9, pp. 93–116). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Koole, S. L., & DeHart, T. (2007). Self-affection without self-reflection: Origins, mechanisms, and consequences of implicit self-esteem. In C. Sedikides & S. Spencer (Eds.), *The self in social psychology* (pp. 36–86). New York: Psychology Press.
- Koole, S. L., Govorun, O., Cheng, C. M., & Gallucci, M. (2009). Pulling yourself together: Meditation promotes congruence between implicit and explicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 1220–1226.
- Krizan, Z., & Suls, J. (2008). Are implicit and explicit measures of self-esteem related? A meta-analysis for the Name-Letter Test. *Personality and Individual Differences*, 44, 521–531.
- Martens, A. & et al. (2010). Self-esteem and autonomic physiology: Self-esteem levels predict cardiac vagal tone. *Journal of Research in Personality* 44, 573–584.
- Nuttin, J. M. Jr., (1985). Narcissism beyond Gestalt and awareness: The name letter effect. *European Journal of Social Psychology*, 15, 353–361.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rudolph, A., Schröder-Abé, M., Schütz, A., Gregg, A. P., & Sedikides, C. (2008). Through a glass, less darkly? Reassessing convergent and discriminant validity in measures of implicit self-esteem. *European Journal of Psychological Assessment*, 24, 273–281.
- Schimmack, U., & Diener, E. (2003). Predictive validity of explicit and implicit self-esteem for subjective well-being. *Journal of Research in Personality*, 37, 100–106.
- Schwerdtfeger, A. Scheel, S. (2012). Self-esteem fluctuations and cardiac vagal control in everyday life. *International Journal of Psychophysiology* 83, 328–335.
- Shapurian, R., Hojat, M. and Nayerahmadi, H. (1987) Psychometric characteristics and dimensionality of a Persian version of Rosenberg Self-esteem Scale. *Perceptual and Motor Skills*, 65(1), 27-34.
- Stieger, S. Formann, A. Burger, C. (2011). Humor styles and their relationship to explicit and implicit self-esteem. *Personality and Individual Differences* 50, 747–750.
- Stieger, S., Voracek, M., & Formann, A. K. (2012). How to administer the Initial Preference Task. *European Journal of Personality*. doi:10.1002/per.823.
- Stieger, S. Preyss, A. Voracek, M. (2012). Romantic jealousy and implicit and explicit self-esteem. *Personality and Individual Differences* 52, 51–55.
- Strack, F., & Deutsch, R. (2004). Reflective and impulsive determinants of social behavior. *Personality and Social Psychology Review*, 8, 220–247.

- Swann, W. B., Jr., Schneider, C., & McClarty, K. (2007). Do our self-views matter? Self-concept and self-esteem in everyday life. *American Psychologist*, 62, 84–94.
- Watson, D., Clark, L. A., Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47, 1063-1070.
- Wilson, T. D., Lindsey, S., & Schooler, T. Y. (2000). A model of dual attitudes. *Psychological Review*, 107, 101-126.
- Wilson, T. D., & Dunn, E. W. (2004). Self-knowledge: Its limits, value, and potential for improvement. *Annual Review of Psychology*, 55, 493–518.
- Young, A. J., Schneider, B. H., Wadson, R., Guirguis, M., & Bergeron, N. (2000). A behaviourbased peer-nomination measure of social withdrawal in children. *Social Development*, 9, 544-564.
- Zeigler-Hill, V., & Jordan, C. (2010). Two faces of self-esteem: Implicit and explicit forms of self-esteem. In B. Gawronski & K. Payne (Eds.), *Handbook of implicit social cognition: Measurement, theory, and applications* (pp. 392–407). New York, NY: Guilford Press.

